

صحیفہ سجادیه

زبور آل محمد

سُحَّانَ حَضْرَتِ اِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (ع)

ترجمہ: مرحوم مہدی الہی قمی

ویرایش ترجمہ: سید حسین وزیری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

صحیفه کامله سجادیه

- | | |
|------------------|-----------------------------|
| ترجمه: | مرحوم الهی قمشه‌ای |
| ویرایش ترجمه: | سید حسین وزیری |
| ناشر: | مؤسسه انتشاراتی دانش هوشیار |
| مجری طرح: | (۰۲۵۱۶۶۱۳۱۹۳) مؤسسه صبا |
| لیتوگرافی و چاپ: | اعتماد |
| صحافی زرکوب: | یاس |
| صحافی نفیس: | (۴۱۹۸۶۱۵-۶) جلدسازی معین |
| نوبت چاپ: | اول، زمستان ۸۳ |
| تیراژ: | ۳۰۰۰ جلد |
| شابک: | ۹۶۴-۸۲۷۲-۰۵-۰ |

تهران؛ مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، خ فخر رازی، بعد از

روانمهر، نبش کوچه دیده بان، پلاک ۱۳۲، طبقه اول،

تلفن: ۶۴۹۵۷۳۶ - ۰۹۱۲۱۰۱۶۱۴۶

فهرست مطالب

شماره دعا	شماره صفحه
مقدمه	نه
راویان صحیفه	۱
۱- حمد و ثنای خدای عزوجل	۲۳
۲- درود و تحیت بر محمد و آل اطهارش	۳۱
۳- درود و صلوات بر حاملان عرش الهی	۳۵
۴- درود و تحیت بر پیروان رسل و بر تصدیق کنندگان آنها	۴۱
۵- دعای آن حضرت برای خود و شیعیان و محبانش	۴۶
۶- دعای آن حضرت در هنگام صبح و شام	۵۰
۷- دعای آن حضرت به هنگام مهمات و سختی ها	۵۷
۸- دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا	۶۰
۹- دعای آن حضرت در اشتیاق به درخواست مغفرت از خدای عزوجل	۶۳
۱۰- دعای آن حضرت در التجا و پناه بردن به سوی خدا	۶۵
۱۱- دعای آن حضرت در عاقبت به خیری	۶۷
۱۲- دعای آن حضرت در اعتراف به گناه	۶۹
۱۳- دعای آن حضرت در طلب حاجت ها از درگاه خدای متعال	۷۵
۱۴- دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران	۸۰
۱۵- دعای آن حضرت هنگام بیماری	۸۴
۱۶- دعای آن حضرت هنگام درخواست عفو و گذشت از گناهان	۸۷
۱۷- دعای آن حضرت در مورد شیطان	۹۶

- ۱۸- دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی‌ها ۱۰۱
- ۱۹- دعای آن حضرت در طلب باران ۱۰۲
- ۲۰- دعای مکارم‌الاخلاق ۱۰۵
- ۲۱- دعای آن حضرت هرگاه امری او را محزون می‌کرد ۱۱۷
- ۲۲- دعای آن حضرت هنگام مشقت و سختی ۱۲۳
- ۲۳- دعای آن حضرت برای عافیت و صحت بدن ۱۲۹
- ۲۴- دعای آن حضرت در حق پدر و مادر خویش ۱۳۳
- ۲۵- دعای آن حضرت درباره فرزندان خویش ۱۳۹
- ۲۶- دعای آن حضرت درباره همسایگان و دوستانش ۱۴۵
- ۲۷- دعای آن حضرت برای سپاهیان سرحدات اسلام ۱۴۷
- ۲۸- دعای آن حضرت در مقام تضرع و زاری به درگاه خدا ۱۵۶
- ۲۹- دعای آن حضرت هرگاه رزق بر او تنگ می‌شد ۱۵۸
- ۳۰- دعای آن حضرت در یاری جستن از خدا برای ادای دین ۱۶۰
- ۳۱- دعای آن حضرت در متذکر شدن توبه و درخواست توبه ۱۶۲
- ۳۲- دعای آن حضرت بعد از فراغت از نماز شب ۱۷۲
- ۳۳- دعای آن حضرت در مقام استخاره و طلب خیر از خدا ۱۸۲
- ۳۴- دعای آن حضرت هرگاه گرفتار می‌شد ۱۸۴
- ۳۵- دعای آن حضرت در مقام رضا و خشنودی به قضا و قدر الهی ۱۸۶
- ۳۶- دعای آن حضرت هنگام شنیدن صدای رعد ۱۸۸
- ۳۷- دعای آن حضرت در بجای آوردن شکر الهی ۱۹۱
- ۳۸- دعای آن حضرت در مقام عذرخواهی ۱۹۶
- ۳۹- دعای آن حضرت در طلب عفو و رحمت از خدا ۱۹۸
- ۴۰- دعای آن حضرت هنگام یادآوری مرگ ۲۰۳
- ۴۱- دعای آن حضرت در طلب پرده‌پوشی و محافظت خواستن از خدا .. ۲۰۵
- ۴۲- دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن ۲۰۷
- ۴۳- دعای آن حضرت هنگام رؤیت هلال (دیدن ماه نو) ۲۱۷

فهرست مطالب

۴۴-	دعای آن حضرت هنگام ورود به ماه مبارک رمضان	۲۲۰
۴۵-	دعای آن حضرت هنگام وداع با ماه مبارک رمضان	۲۲۸
۴۶-	دعای آن حضرت در روز عید فطر و روز جمعه	۲۴۴
۴۷-	دعای آن حضرت در روز عرفه	۲۵۰
۴۸-	دعای آن حضرت در روز عید قربان و روز جمعه	۲۸۱
۴۹-	دعای آن حضرت در دفع کید و مکر دشمنان	۲۹۱
۵۰-	دعای آن حضرت در مقام خوف خدا (و ترک ماسواه)	۲۹۷
۵۱-	دعای آن حضرت در مقام تضرع و زاری به درگاه خدای متعال	۳۰۰
۵۲-	دعای آن حضرت در مقام اصرار در حاجت از درگاه خدای متعال	۳۰۵
۵۳-	دعای آن حضرت در مقام خضوع به درگاه حضرت احدیت	۳۰۷
۵۴-	دعای آن حضرت در رفع غم و غصه‌ها	۳۰۹
	فهرست موضوعی مطالب	۳۱۵

بسمه تعالی

در گستره آسمان خلقت، کلام و بیان هر یک از معصومین نور و تالو خاصیتی دارد؛
و درخشش آسمان صحیفه گونه‌ای دیگر است؛
هر که صحیفه را حتی برای یک بار خوانده معترف است که دنیای صحیفه دنیای
دیگریست؛

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ به تدریج جامعه اسلامی از روح و جوهره تعالیم
اسلامی فاصله می‌گیرد؛ این روند به خصوص پس از ماجرای صفین و به دنبال آن
شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شدت یافته و حکومت اموی با تمام وجود در جهت براندازی
معارف اسلامی تلاش می‌کند؛ پس از معاویه این روند، چهره نمایان‌تری به خود گرفته
و با شهادت امام حسین (علیه السلام)، عملاً عدم تعهد یزید و بنی‌امیه به اصول اسلامی بر
همگان ثابت می‌گردد. پس از شهادت امام حسین و به مرور زمان، جو رعب و وحشت
و فشار بر جامعه اصیل اسلامی و مخصوصاً بازماندگان کربلا بیشتر نمایان می‌گردد؛
حضرت زینب (علیه السلام) تبعید می‌گردد؛ شمار زیادی از انصار و مهاجرین به شهادت
می‌رسند و یا مورد اهانت قرار می‌گیرند؛ حرمت کعبه و شهر پیامبر زیر پا گذاشته
می‌شود و...

در این شرایط فشار و خفقان، امام سجاد (علیه السلام) عهده‌دار مسئولیتی بس عظیم
می‌گردد؛ آن بزرگوار در طی ۳۵ سال امامت خود، از یک سو با یادآوری واقعه عاشورا
در هر شرایطی، سعی در زنده نگه داشتن فاجعه کربلا نموده؛ و از سوی دیگر با تلاش
فراوان، شاگردان بسیاری را تربیت کرده؛ و از طرف دیگر مجموعه‌ای از علوم
روحبخش اسلامی را به عنوان صحیفه سجاده تدوین می‌نماید. ارزش این کتاب
انرگذار به قدری است که بعد از قرآن و نهج‌البلاغه، مهم‌ترین و ارزشمندترین اثر
مکتوب اسلام است که از آن به عنوان قرآن صاعد، أخت القرآن، انجیل اهل بیت و
زبور آل محمد نام برده‌اند.

این کتاب شامل ۵۴ دعا است که دربرگیرنده مسائل مختلف اسلامی است؛ در حقیقت این کتاب، تعلیم دهنده دین و اخلاق در لباس «دعا» است و امام سجاده علیه السلام در قالب دعا آنچه را که اخلاق محمدی و شریعت الهی خواهان آن است تشریح می نماید.

موضوعات دعاهاى صحیفه سجاده متفاوت است و شامل مسائل فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... می باشد؛ متن دعاها چنان اصیل و تحسین برانگیز است که هر خواننده‌ای را مجذوب و شیفته خود می گرداند؛ در پاره‌ای از مسائل، چنان ساده و روان مسائل اسلامی را بیان می دارد که هر خواننده‌ای را به تفکر وامی دارد؛ و آن چنان اصول اخلاقی و معارف اسلامی را آشکارا بیان می نماید که خواننده سرگردان در افکار و نظریات گوناگون قرن بیست و یکم، انگشت تحیر به دندان می گزد.

این کتاب شریف توسط امام سجاده علیه السلام انشاء شده و امام محمد باقر علیه السلام آن را یادداشت و ضبط کرده است؛ بعدها زید بن علی (برادر امام محمد باقر) یک نسخه از آن را برای فرزندش یحیی بن زید به میراث می گذارد و او را به حفظ و حراست از آن توصیه می کند. یحیی هم قبل از شهادت، آن را به متوکل بن هاورن می سپارد تا آن را به مدینه برده و تحویل دهد...

بر این کتاب نفیس تاکنون بیش از ۵۰ شرح و ده‌ها ترجمه نوشته شده که طرح آن از حوصله این مقدمه خارج است.

در این قسمت نگاهی گذرا به زندگانی امام سجاده علیه السلام و فرزندش زید بن علی و یحیی بن زید خواهیم داشت:

ازدواج امام حسین و شهربانو

قبل از آنکه ایران به دست مسلمانان فتح شود، شهربانو (دختر یزدگرد سوم که آخرین پادشاه سلسله ساسانی بود) شبی در خواب دید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد ایران و کاخ مدائن شد و همراه امام حسین علیه السلام نزد او نشست و امام حسین را به او (شهربانو) نشان داد و فرمود:

«ای دختر پادشاه عجم! من تو را نامزد حسین علیه السلام نمودم.»

سپس در شبی دیگر، حضرت فاطمه علیها السلام را در عالم خواب دید. حضرت فاطمه علیها السلام وارد ایوان کاخ شد و خطاب به شهربانو گفت:

«تو نامزد پسر من، و عروس من هستی. به زودی مسلمانان بر شما پیروز می‌شوند و تو اسیر آنان می‌گرددی. نگران مباش که به زودی در مدینه بی‌آنکه دستی به تو برسد، به همسری شوهر آینده‌ات (امام حسین علیه السلام) خواهی رسید.»

پس از شکست یزدگرد به دست مسلمانان، تعداد زیادی از اسرای ایرانی را به مدینه آوردند. در بین اسرا، دختران یزدگرد هم حضور داشتند. وقتی که دختران یزدگرد را آوردند بسیاری از صحابه اعم از مهاجر و انصار حاضر بودند. خلیفه دوم رو به اصحاب کرد و گفت: هر کدام از شما که مایل هستید هر یک از این زنان و دختران را به عقد خود درآورید.

امیرالمؤمنین هم حاضر بود و فرمود: این دستور درست نیست؟
پرسیده شد: چرا یا علی بن ابیطالب!

امیرالمؤمنین فرمود: یادتان رفته است که پیامبر فرمود به سه دسته رحم کنید: عزیز ذل، و غنی افتقر و عالم بین الجهال؛ عزیزی که ذلیل شده و ثروتمندی که به فقر گرفتار آمده و دانشمندی که بین نادانان گیر کرده است. اینها عزیزی بوده‌اند که ذلیل شده‌اند.

پرسیدند: پس ما چگونه با آنها رفتار کنیم؟

امیرالمؤمنین گفت: بگذارید آنها هر کس را که خواستند انتخاب کنند.

پس از این قضاوت، هر کدام از دختران یزدگرد فردی را انتخاب کردند و شهربانو حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را انتخاب کرد.

ثمره ازدواج شهربانو با امام حسین علیه السلام امام سجاد است؛ از این رو در مورد امام سجاد علیه السلام گفته می‌شد که او ابْنُ الْخَيْرَیْنِ یعنی «فرزند دو برگزیده» است (برگزیده عرب و عجم).

امام سجاد علیه السلام به علت عبادت‌های فراوان و سجده‌های طولانی در نماز، به زین العابدین و سید الساجدین و سجاد مشهور است.

امام سجاد علیہ السلام

امام چهارم، حضرت علی بن حسین علیهما السلام در روز پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در مدینه متولد شد. شهربانو، مادر گرامی آن حضرت، بر اثر تب نفاس از دنیا رفت. یکی از کنیزان امام حسین علیهما السلام همچون مادری مهربان دایه او گردید و وظیفه سرپرستی او را عهده‌دار شد.

امام چهارم دو ساله بود که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام به شهادت رسید. ایشان هنگام شهادت امام مجتبی ۱۲ ساله بود و در صحنه کربلا ۲۲ سال سن داشت. در مسیر راه کربلا امام سجاد بیمار شد و بیماریش شدت یافت، به گونه‌ای که قادر به حرکت نبود؛ اما همچنان همراه کاروان مسیر را ادامه داد؛ در روز عاشورا امام سجاد علیهما السلام بر اثر بیماری شدید و ضعف قوای جسمانی همچنان بستری بود و نتوانست به میدان برود.

عصر عاشورا، هنگامی که امام حسین علیهما السلام یکه و تنها ماند، به خیمه‌های برادرانش رفت، آنها را خالی دید. به خیمه‌های فرزندان عقیل رفت، آنها را خالی یافت؛ به خیمه‌های اصحاب توجه نمود، آنها هم خالی بودند. مرتباً می‌فرمود: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

آنگاه به خیمه امام سجاد علیهما السلام وارد گردید؛ دید آن حضرت بر اثر بیماری شدید روی فرش پوستی افتاده، و حضرت زینب از او پرستاری می‌کند. وقتی که چشم امام سجاد به پدرش افتاد، خواست برخیزد، اما نتوانست؛ به عمه‌اش زینب فرمود: مرا به سینه‌ات تکیه بده تا بنشینم.

حضرت زینب پشت امام سجاد نشست و آن حضرت را نشانده و به سینه‌اش تکیه داد.

امام حسین از احوال پدرش پرسید.

امام سجاد گفت: «حمد و سپاس می‌گویم خدا را» سپس امام سجاد عرض کرد: پدر جان! ماجرای شما با این منافقین به کجا رسید؟

امام حسین فرمود: شیطان بر آنها چیره شد و یاد خدا را از خاطر آنها بیرون برد، و

جنگ شدیدی بین ما و آنها رخ داد که خون ما و آنها در سراسر این زمین جاری شد. امام سجاد از عموها و برادرها و برادرزاده‌ها و اصحاب، یک یک پرسید: امام حسین فرمود: «پسرم! بدان که در خیمه‌ها مردی جز من و تو نیست، همه کشته شدند.»

امام سجاد گریه سختی نمود سپس به عمه‌اش زینب فرمود: «شمشیر و عصایی به من بده.»

امام حسین فرمود: شمشیر و عصا برای چه می‌خواهی؟ عرض کرد: «عصا را برای اینکه بر آن تکیه کنم، و شمشیر را برای اینکه با آن از حریم فرزند رسول خدا دفاع نمایم، زیرا بعد از او، خیری در زندگی نیست.» امام حسین او را از این کار بازداشت و او را به سینه‌اش چسبانید و به او فرمود: «پسرم! تو پاک‌ترین و بهترین ذریه و عترت من هستی. تو جانشین من بر این بانوان مظلوم و کودکان غریب و یتیم می‌باشی.... آنگاه فریاد زد:

«ای زینب! ای ام‌کلثوم! ای سکینه! ای رقیه! ای فاطمه! کلام مرا بشنوید و بدانید که این پسرم (اشاره به امام سجاد) جانشین من بر شماست؛ و او امامی است که اطاعتش واجب است.»

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام هدایت و امامت امت بر عهده آن حضرت قرار گرفت؛ مدت امامت آن بزرگوار حدود ۳۵ سال و با دوران حکومت ۵ تن از خلفای بنی‌امیه هم‌زمان گشت (یزید بن معاویه: ۳ سال، معاویه بن یزید: ۶ ماه، مروان بن حکم: ۹ ماه، عبدالملک بن مروان: ۲۱ سال و ولید بن عبدالملک: ۹ سال)

در اوایل امامت حضرت سجاد علیه السلام، تنها ۴ نفر به عنوان اصحاب خاص آن حضرت بشمار می‌آمدند. امام صادق علیه السلام در حدیثی که به حدیث ارتداد معروف شده می‌فرماید: «بعد از شهادت امام حسین علیه السلام همه مردم مرتد شدند، جز چهار نفر که عبارتند از: ۱- ابو‌خالد کابلی؛ ۲- یحیی بن أمّ‌طویل؛ ۳- جُبیر بن مطعم و ۴- جابر بن عبدالله انصاری؛ سپس مردم به این افراد پیوستند و جمعیتشان زیاد شد.»

سرانجام امام زین‌العابدین علیه السلام، روز شنبه ۲۵ محرم الحرام سال ۹۵ هجری در سن ۵۶ سالگی به دستور ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید و در قبرستان بقیع

به خاک سپرده شد.

زینت عبادت کنندگان

روزی پیامبر ﷺ از امام سجاد یاد کرد و فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا می شود، منادی خدا ندا می کند: کجاست زینت عبادت کنندگان؟! گویی به پسر عم علی بن الحسین (امام سجاد) می نگرم که در قیامت بین صف های مردم، خرامان و شادان و سربلند حرکت می کند.»

آسان شدن گرفتاری مادی

مردی به محضر امام سجاد علیه السلام آمد و از حال و روزگار دنیای خود شکایت کرد. امام سجاد فرمود:

بیچاره انسانی که در هر روز، دستخوش سه مصیبت است که از هیچ یک عبرت نمی گیرد، در صورتی که اگر عبرت می گرفت مصائب دنیا بر او آسان می شد:

- ۱- هر روز که از عمر او می گذرد، از عمر او کاسته می گردد، در صورتی که اگر از مال او چیزی کاسته می شد قابل جبران بود، ولی کاهش عمر قابل جبران نیست.
- ۲- هر روز، رزقی که به او می رسد اگر از راه حلال باشد، حساب دارد؛ وگرنه عقاب دارد.

- ۳- مصیبت سوم از همه بزرگ تر است، و آن اینکه هر روز که از عمر انسان می گذرد، به همان اندازه به آخرت نزدیک می گردد، ولی نمی داند که رهسپار بهشت است یا دوزخ!

ناشناسی در میان کاروان حج

در یک سفر، امام سجاد علیه السلام با کاروانی به سوی مکه حرکت می کرد که او را نمی شناختند، و با کاروانیان شرط کرده بود تا خدمتگزار کاروان باشد. ناگهان در بین راه شخصی آن حضرت را شناخت و به کاروانیان گفت: «آیا می دانید این شخص کیست؟» گفتند: «نه، نمی شناسیم.»

او گفت: این شخص، علی بن الحسین بن علی است. کاروانیان به طرف امام سجاد رفتند و دست و پایش را بوسه زده، گفتند: ای فرزند رسول خدا! آیا می خواهی بر اثر نشناختن تو، خدای نکرده به تو گستاخی کنیم و اهل دوزخ شویم و تا ابد هلاک گردیم؟

چرا خود را معرفی نکردید؟

امام سجاده علیه السلام در پاسخ فرمود: «من یک بار با کاروانی جهت انجام حج حرکت می‌کردم، کاروانیان مرا شناختند، به خاطر رسول خدا آن چنان به من احترام کردند که شایسته آن نبودم؛ از این رو دوست دارم ناشناس باشم.»

اتفاق امام سجاده علیه السلام

امام سجاده علیه السلام دو بار همه اموال خود را بین نیازمندان تقسیم کرد. آن حضرت هرگاه سائلی را می‌دید، (پس از کمک به او) می‌فرمود: «آفرین به کسی که توشه مرا به سوی آخرت حمل می‌کند.» هنگامی که امام سجاده از دنیا رفت، در هنگام غسل، کبودی‌هایی را در پشت مبارکش دیدند؛ پرسیدند: این آثار چیست؟ یکی از حاضران پاسخ داد: این سیاهی‌ها و خراش‌ها، آثار کیسه‌های غذایی است که آن حضرت شبانه بر پشت می‌گرفت و به خانه نیازمندان می‌رسانید.

زید بن علی علیه السلام

زید فرزند امام سجاده علیه السلام و برادر امام محمد باقر علیه السلام است؛ پس از شهادت امام سجاده علیه السلام و در زمان خلافت هشام بن عبدالملک، زید برای شکایت از فرماندار مدینه به سوی شام و دربار هشام حرکت کرد؛ اما هشام نه تنها از او استقبال ننمود بلکه پس از به حضور پذیرفتن او شروع به یاهوگویی و بدگویی نمود؛ زید هم متقابلاً جواب هشام را با درشتی و خشونت داد و پس از آن دمشق را ترک نمود اما دیگر به مدینه بازنگشت، بلکه رو به عراق نهاد و در کوفه بر ضد حکومت هشام قیام نمود؛ به روایت تاریخ چهل هزار مرد مسلح با زید عهد بستند و قسم یاد کردند که در روز اول ماه صفر سال ۱۲۱ هجری در رکاب زید بر علیه والی کوفه قیام کنند.

شب اول ماه صفر، زید دستور داد که به هنگام سحر بر بام خانه آتشی بیفروزند و بدین وسیله بیعت کنندگان از اقدام زید خبردار شوند؛ زید تا تیغ آفتاب به انتظار بیعت کنندگان نشست اما از چهل هزار نفر، بیش از ۵۰۰ نفر حضور نیافتند؛ ولی از آن طرف، والی کوفه با یک ارتش عظیم به عزم دستگیری زید به اقامتگاه او روی آورد و

از چهار طرف آن خانه را محاصر نمود.

زید با پیروان خود تا آخرین نفر مبارزه کردند و سرانجام با ضربت تیری که به پیشانی‌اش نشست از پای درآمد؛ اما مردم نگذاشتند که پیکر نیمه جان او به دست والی کوفه بیفتد. بی‌درنگ او را برداشته و به خانه یکی از دوستانش رسانیدند. زید در آنجا بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را محرمانه در مجرای یک نهر به خاک سپردند.

والی کوفه که سخت در جستجوی زید بود بالاخره پیکرش را از آن قبر مخفی بدر آورد و دستور داد سرش را جدا کردند و به شام فرستادند و تن بی‌سرش را در دروازه کوفه به دار کشیدند.

این حادثه در روز دوشنبه سوم صفر سال ۱۲۱ صورت گرفت. سال‌ها گذشت و جنازه بی‌سر زید بر سر دار ماند تا به دستور ولید بن یزید (خلیفه بعد از هشام)، آن جنازه را سوزانیده و خاکسترش را بر باد دادند.

زید در مذهب زیدیه (فرقه‌ای که امامت را به قیام با شمشیر مشروط می‌داند) امام است و او را بعد از امام زین‌العابدین علیه السلام، امام پنجم می‌دانند اما زید شخصاً این عنوان را قبول نداشت و برادرش امام باقر علیه السلام را امام می‌دانست؛ قبل از سفر و قیام زید بر علیه هشام، امام باقر علیه السلام او را از عواقب این شورش آگاه کرد و نحوه کشته شدنش را به اطلاع او رسانید.

یحیی بن زید

یحیی فرزند زید بن علی و پسر عموی امام صادق علیه السلام می‌باشد؛ پس از کشته شدن پدرش زید، از کوفه به مدائن رفت در حالی که والی کوفه به دنبالش می‌گشت. از مدائن به ری و از ری به نیشابور و سپس به سرخس رفت. او شش ماه در سرخس بود؛ در این هنگام هشام به هلاکت رسیده و مسند خلافت نصیب ولید بن یزید بن عبدالملک شد؛ یحیی آنگاه به گرگان رفت و گروهی نزدیک به پانصد نفر از گرگانی‌ها و طالقانی‌ها به وی پیوستند. حاکم خراسان با لشکر انبوهی از خراسان به سمت گرگان عزیمت کرد و با یحیی جنگید.

یحیی بن زید مانند پدرش در برابر دشمن تا آخرین نفس پایدار ماند و سرانجام

در روز جمعه، سال ۱۲۵ هجری (۴ سال بعد از شهادت پدرش) و در سن ۱۸ سالگی در دهکده‌ای به نام «ارغوا» به شهادت رسید؛ سر او را همانند پدرش، از تن جدا کرده و جسمش را بر دار کشیدند.

زید در همین سفر که به سوی خراسان می‌آمد با متوکل بن هارون بلخی روبرو شد و از احوال پسرعموهایش و امام صادق علیه السلام سؤال نمود؛ متوکل هم به او گفت که حضرت صادق علیه السلام درباره شهادت او خبر داده؛ زید هم برای مصون ماندن صحیفه از نابودی، آن را به متوکل بن هارون داد و از او خواست تا آن را به دو پسرعمویش «محمد و ابراهیم» در مدینه برساند و مابقی داستان که در ابتدای صحیفه آورده شده است.

صحیفه موجود

پس از حدود ۲۰ ماه تلاش مستمر و پیگیری فراوان موفق شدیم این نسخه از صحیفه را آماده چاپ و نشر سازیم؛ در تمام این مدت سعی مان بر این بود که صحیفه را آن چنان که درخور و شایسته این کتاب شریف است آماده سازیم؛ و این مهم، مشقت کار را برایمان آسان می ساخت.

ویژگی های این صحیفه را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- خط زیبای متن؛ خط متن صحیفه، نسخ کامپیوتری است که با تلاش فراوان همکاران در واحد رایانه و با صرف مدت زمان حدود ۱۵ ماه با بالاترین کیفیت ممکن، تهیه شده است.

۲- ترجمه صحیفه؛ اثر مرحوم الهی قمشه ای است که پس از ویرایش و خلاصه نمودن با سبکی روان مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- استفاده از علائم وقف در متن صحیفه جهت خواندن آسان تر و صحیح تر.

۴- تنظیم دقیق ترجمه با متن جهت استفاده بهتر.

۵- شماره گذاری متن بر اساس نسخه مرحوم فیض الاسلام جهت دسترسی آسان به متن مورد نظر و همچنین تطبیق راحت تر با ترجمه.

۶- درج فهرست موضوعی بر اساس شماره گذاری فوق جهت دسترسی به موضوعات مورد نظر که این فهرست توسط علامه بزرگوار شیخ محمدحسین مظفر تنظیم شده است.

در پایان از آقایان و خانمها؛

زینب امیری، مهدیه مهجوریان و زهرا هدایتی (واحد کامپیوتر)

سید حسین وزیری (ویرایش و تنظیم ترجمه)

سید علی وزیری (غلط گیری متن)

ابوالفضل ارباب (ویرایش و غلط گیری متن)

و دیگر عزیزانی که با پیشنهادات و انتقادات خود ما را در راه تکمیل این کتاب گرانبها یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی نموده و جملگی از خوانندگان محترم التماس

مؤسسه صبا

دعا داریم؛